



تحقیقات ادوارد وسترمارک
ترجمه: علی اصغر فراسیون

تاریخ ازدواج

تاریخ ازدواج متضمن تحقیقات علمی و اجتماعی ادوارد وسترمارک استاد علم الاجتماع دانشگاه لندن است که پنچندین زبان ترجمه شده و آداب و سنن و عادات و مقررات ملل و اقوام و ایلات و عشایر و وحشی و متمدن را بررسی و نقل و توصیف کرده است و ما ترجمه فارسی آن را برای مطالعه خوانندگان گرامی به تدریج درج و توصیه میکنیم که قبل از مطالعه مجموع آن انتقاد و قضاوت نفرمائید.



هرج و مرج جنسی

انتقاد بر فرضیه روابط مختلط و حق اولویت در شب زفاف

روابط جنسی قبل از عروسی را نمی‌توان از بقایای آثار روابط جنسی مختلط درازمنه قدیمه دانست و قبلاً گفتیم هوانمیکه در سر راه ازدواج قرار میگیرند مخصوصاً از ترقیبات تمدن بوجود آمده‌اند، نمونه‌های متعددی از جوانان هستند که دوشیزه را ترجیح میدهند و شاید این تمایل و ترجیح از زمان قدیم شیوع داشته و متناً آرزوی يك مرد گرفتن يك دختر است نه زن هر جائی و هرزه گرد و این تمایل به با کره بودن دختر و عفت و پاک‌گی اناث محققاً در محدود کردن روابط جنسی قبل از عروسی تأثیر داشته است.

اکنون يك عامل دیگر عفت و پاک‌گی قبل از ازدواج را باید مطالعه کنیم و آن عبارتست از ذوق و سلیقه برای تنوع و این خود یکی از عوامل بسیار مهم روابط جنسی مختلط درازمنه قدیمه بوده و طبق نوشته یکی از مؤلفین احتیاج انسان به تنوع در

ارضاء جنسی از خصوصیات نوع بشر است و درازمنه قدیمه که انسان طبیعی تر ژندگی میکرده این ذوق هم خیلی قوی و شدیدتر بوده است و حتی امروزه که تمدن خیلی پیشرفته است و برای روابط جنسی هم اخلاقیاتی بوجود آمده که در تمام شئون زندگی اجتماعی ما نفوذ کرده و تاثیر نموده بازهم احتیاج به تنوع تقریباً باهمان شدت سابق خود نمائی میکند و لازم نمیدانیم اثبات کنیم که در شرایط باستانی روابط جنسی مختلط يك صورت اصلی تر و بدون شك طبیعی تری داشته است تا ازدواج. پس باین طریق از لحاظ انسان شناسی ازدواج دائمی بصورت يك قرار داد کاملاً مصنوعی بنظر میرسد و حتی امروزه ازدواج بآن شکلی که هست نمی تواند احتیاجات بشری را برای تنوع و تغییر که باعث تحریک و بهیجان آوردن غریزه جنسی میگردد رفع کند.

بعلاوه روابط جنسی درهم و برهم تنها وسیله جهت ارضاء این احتیاج به تنوع جنسی نبوده و اگر مردی از عیالش سیر میشده میتواند زن دیگری بگیرد و این عملی ترین راه بوده زیرا يك عیال تنها برای اقناع غریزه جنسی و لذت آن نیست بلکه کارهای خانه داری و آشپزی و تربیت و نگهداری اولاد را نیز برعهده دارد اگر فرض کنیم که ازدواج از يك غریزه اکتسابی سرچشمه گرفته و منظورش بقاء نسل بوده عمل جنسی در بین همان بشر بدوی لا بد يك اتحاد کم و بیش طولانی بین مرد و زن ایجاد میکرده است ولی با وجود این نمیتوان گفت که عمل جنسی بستگی خیلی نزدیکی با ازدواج داشته زیرا ازدواج عبارتست از يك قرارداد و يك عمل اجتماعی که زیاد تحت تاثیر ترقیات تمدن قرار گرفته و علت آنهم بدون اینکه احتیاج باین فرضیه که درازمنه اولیه کلیه روابط جنسی بطور درهم و برهم بوده است داشته باشیم و اگر دقت کنیم ملاحظه خواهیم کرد که حتی در بین اروپائیان فحشاء مثل اینکه تندتر از درجه افزایش نفوس شیوع پیدا میکند و با وجود اینکه فواحش بطور کلی عقیم هستند و در شهرهایی از اروپا هست تعداد حرامزاده ها بیشتر از تعداد اطفال شرعی است و اینکه گاهی در بعضی نقاط معشوقه ها را بیشتر احترام میگذاشتند تا زنان شوهر دار

شاید علتش آن باشد که درازمنه قدیمه تمتع از زنان طبق روش اشتراکی بوده و یکی از نویسندگان میگوید که معشوقه‌ها در آن قدیم خیلی طرف احترام بوده اند و میگویند که در جزیره‌ها و خواص معشوقه‌ها را تحقیر نمیکنند و در بعضی از مناطق افریقای غربی میاهان بادیده احترام به فواحش مینگردند و علتش این است که معشوقه‌ها معمولاً در ابتدا از کنیزان بوده‌اند و بعقیده بعضی فاحشه‌ها و معشوقه‌ها را در یونان قدیم بعلت اینکه تنها طبقه دانشمند در بین نسون بوده‌اند مردم احترام میگذاشتند و در هندوستان فاحشه‌ها وابستگی به معا بدداشتند و بقول یکی از نویسندگان فواحش مزبور تنها زنانی بودند که میتوانستند خواندن و سرائیدن و رقص را یاد بگیرند و در شهرهای بزرگ هندوستان مردم با کمال میل به ملاقات و مصاحبت فاحشه‌ها میروند چونکه این فواحش بسیار خوش صحبت و با کمال هستند.

رسوم متداوله مبنی بر دادن کفاره برای ازدواج فردی فرضیه روابط جنسی درهم و برهم یا عروسی اشتراکی درازمنه قدیمه را تقویت میکند از قرار معلوم در بسیاری از موارد تصرف انحصاری یکزن شرعاً میسر نبوده مگر از راه حقیقت‌سناسی موقت نسبت بحقوق اشتراکی اولیه و یکی از این راه‌های حقیقت‌سناسی حق اولویت در شب زفاف است که بیک کشیش یا یک پادشاه یا یک رئیس یا یک شخص اصیل میدهند و این اشخاص نماینده جامعه‌ای هستند که حق مزبور متعلق بکلیه مردان آن جامعه بوده است و این حق را از دست داده است.

در بین بعضی از طوائف برزیل حق اولویت در شب زفاف را بشخص حکیم و طبیب و یا بر رئیس قبیله میدهند و هر دوشیزه باید پس از عروسی شب زفاف را با یک شخص روحانی یا کشیش هم‌خوابی کند در ونزوئلا که یکی از کشورهای امریکای جنوبی است زنان شرعی را باستثناء صیغه قبل از زفاف نزد شخص روحانی یا کشیش میفرستاده‌اند و تخلف از این رسم را یک جنایت میدانسته‌اند از همین قرار بعضی از قبائل کوبا به داماد بپیچوجه اجازه نمیدادند شب اول عروسی را با همسرش همبستر شود بلکه عروس باید در شب زفاف با شخص دیگری غیر از داماد همبستر گردد در گواتمالا

مرسوم بوده که کشیش اعظم شب زفاف را با هر عروس جوان همبستر میشده و در بین بومیان نیکاراگوا تکلیف کشیش که در معبدزندگی میکرده این بوده که با عروس دیگران شب اول همبستر شود و در بین بعضی طوائف در مناطق نزدیک مکزیکو مرسوم بوده که شوهران عیال خود را با بهای گزاف از والدین دختران خریداری میکرده و بعد آنان را نزد رئیس قبیله یا کشیش میبرده اند.

در بین بعضی از طوائف سنگال پادشاه فقط نسبت بزندگی و مرگ رعایای خود صاحب اختیار است بلکه (حق اربابی) دارد و در کلیه آن قبیله هیچ دختر نمی تواند شوهر کند مگر اینکه ابتدا با پادشاه هم بستر شود و در بین بعضی از طوائف مرسوم بوده که دختر را شب قبل از عروسی نزد پادشاه خود میبرده اند و اگر پادشاه میل نداشته با آن دختر هم خوابی کند او را به کشیش یا قاضی که یکدرجه پایین تر از پادشاه بوده میداده اند و در بعضی از قبائل عرب زبان آفریقا مرسوم بوده که شب عروسی بخانه داماد بستگان و خویشان داماد با خود او میرفته اند در یک دهکده همسایه تا شخصی را پیدا کنند که بتواند شب اول با عروس هم خوابی کند و وقتی چنین شخصی را پیدا میکرده اند زنان با خوشحالی و شور و آوازمیخوانده اند.

در بین بعضی طوائف رئیس روحانی که دهنده نامیده میشود دارای حق اولویت در شب زفاف است و در اجتماعات سالیانه رئیس مزبور حق دارد زنی را که پسندد انتخاب کند. بعضی از قبائل هر سال جشن بزرگی برپا میکنند و در طی آن مردان و زنان نزدیکی کرده در یک تالار بزرگی جمع میشوند و به تمتع جنسی درهم و برهم میپردازند.

طبق یک نوشته بزبان چینی که مربوط باواخر قرن سیزدهم میلادی است در کامبوج قدیم والدین دختران از کشیشان بودائی دعوت میکرده اند تا قبل از عروسی با دخترانشان هم بستر شوند و این رسم در یک روز معین از سال که توسط شورای محل تعیین میشده اجرا میگردیده هر کشیش حق داشته در هر سال با یک دختر هم بستر شود و بابت این کار مبلغ عمده ای وجه باو میپرداخته اند. دختران فقیر چون

نمی توانسته اند هدایائی برای خود تهیه کنند تا قبل از یازده سالگی شوهر نمی کرده اند در صورتیکه دختران ثروتمند معمولاً بین سنین هفت و نه سالگی شوهر می کرده اند اما اشخاص خیر خواهی نیز بوده اند که به والدین فقیر دختر و جهلارم را برای تسهیل مراسم می پرداخته اند و این عمل را بسیار شایان تحسین میدانسته اند. بعضی از نویسندگان هم در مورد صحت این مطلب شك دارند.

در ساحل مالایا برهنه ها چند قرن از حق الویت استفاده می کرده اند طبق نوشته یکی از مؤلفین در قرن شانزده هر وقت پادشاه کالی کوت عروسی می کرده با کفایت ترین و باشرافت ترین برهنه را می آورده که شب اول را با عروس خانم همبستر گردد ولی نباید تصور کرد که برهنه مزبور از انجام چنین کاری خوشحال و مسرور میشده بلکه پادشاه گاهی مجبور بوده مبلغی وجه هم باو بپردازد هاملتون که در نیمه دوم قرن هیجدهم در هندوستان زندگی می کرده مینویسد (وقتی یکی از اهالی قریه عروسی میکند حق ندارد بازنش همبستر شود مگر اینکه کیش اعظم عروس خانم مزبور اتصرف کند و سه شب با او همبستر شود زیرا نو بر عروسی باید بعنوان نیاز بخدائی که مورد پرستش است تقدیم گردد و بعضی از نجبای دیگر نیز عین این خراج را بر وسای مذهبی می دهند دریا سالار و رهورن که در سال ۱۶۱۸ بکلکتا رفت میگوید با دختران نامزد روسا و نجبا غالباً برهنه ها بعنوان اولویت مصاحبت می کرده اند تو ماس هر پرت که در سال ۱۶۲۵ به هندوستان رفت میگوید سابقاً در بین طائفه نایارسم بوده که دختران را شب زفاف با یک برهنه هم آغوش می ساختند ولی این رسم بکلکی از بین رفت و نویسندگان دیگر میگویند برهنه های مالابار بعدی مورد احترام بوده اند که حق تمتع از نو بر عروس را داشته اند و ثروتمندان این اشخاص را برای هم خوابگی با دختران دعوت می کرده و هدایای زیاد بآنان میداده اند و بطور کلی هیچ مردی حق نداشته با عیال خود همبستر شود مگر اینکه یک نفر برهنه قبلاً ویرا دیده باشد و بعضی ها نوشته اند که هر وقت دختران سلاطین مالابار بسن ده سالگی میرسیدند والدین این دختران یک جوان نایار (از صنف ارتش) را می طلبیدند و هدایای زیاد

باومیدادند تا بادختر همبستر شود و طبق نوشته‌ای که مربوط باواخر قرن هفدهم است هر وقت یکی از اهالی مالایار عیال می‌گرفته قبل از اینکه بازوجه خود هم‌خواهی کند او را بخدمت سلطان می‌برده و پادشاه مدت هشت روز عروس خانم را نزد خود نگاه میداشته و پس از پایان این مدت شوهر می‌آمده که عیالش را ببرد و برای خود افتخار عظیم و مساعدتی بزرگ میدانسته که پادشاه حاضر شده بود باعیال او عیش کند و در جاهای دیگر زنان جوان را بمعاشرت نزد کشیشان می‌برده‌اند و طبق نوشته یکی از دریا سالاران هر وقت یکی از روسای قبائل هند عروسی می‌کرده رسم بوده که عروس خانم را خدمت پادشاه می‌برده و تقاضا می‌کرده که سه شب پادشاه بآن دختر همبستر شود.

اهالی منطقه شرقی کوه‌های هیمالیا نیز رسومی نظیر آنچه گفتیم دارند در عربستان قدیم نیز پادشاه بپیچ دامادی اجازه نمیداده که شب اول با عروس هم‌خواهی کند و عیش شب اول حق پادشاه بوده است.

اغلب اطلاع دارند که در اروپای قرون وسطی حق ارباب وجود داشته و می‌گویند که در پاره‌ای مناطق حق مزبور بروحانیون نیز داده میشده و تاریخ‌نویسان وجود چنین حقی را تأیید کرده‌اند مؤلفین قدیم که در باره اسکاتلند تاریخ نوشته‌اند می‌گویند که یکی از پادشاهان اسکاتلند قانونی وضع کرد که طبق آن خودش و جانشینان او حق داشته باشند پس از هر عروسی قبل از داماد به عروس خانم دست یابند و در نتیجه وضع این قانون بزرگان و روسای هر خانواده حق مشابهی نسبت بدختران نامزد نوکران و مرئوسین خود داشتند این قانون مدت‌ها بشدت در سراسر اسکاتلند اجراء میشد تا اینکه بعد از این رسم غیر عادلانه منسوخ گردید و سپس مرئوسین یا نوکران حق داشتند با پرداخت مبلغی شب زفاف را باز خرید کنند و یک مؤلف ایتالیائی که در اوائل قرن هفدهم می‌زیسته تأیید نموده که رسم مشابهی سابقاً در ایتالیا متداول بوده و یکی از کشیشان باو گفته بوده که بادست خودش فرمانی را که بنام خانواده او مبنی بر ازاله بکارت عروسان مرئوسین و نوکران صادر شده بود سوزانیده

بوده و میگویند در روسیه اربابها حتی تا اواخر قرن نوزدهم این حق داشتند از طرفی معلوم نیست که سابقا اربابها حق مطلق میداشته اند بلکه حق تمتع از نوع روسان در شب زفاف مخصوص پادشاهان و امپراطوران بوده است و یکی از مؤلفین راجع بوجود حق مزبور برای اربابها در روسیه میگوید که چنین حقی هیچوقت وجود نداشته معذک همین نویسنده میگوید که برای ملاکین تجاوز بدختران و زنان رعایا بدون نگرانی از اینکه مورد ملامت و سرزنش واقع شوند میسر بوده است.

حق اولویت در شب زفاف که در قرون وسطی شیوع داشته از اینجا ناشی شده که نوکران هنگام عروسی دخترانشان مبلغی بعنوان باج بارباشان پرداخت میکردند و این باج را بغلط این طور تعبیر نموده اند که چون اربابهای قرون وسطی حق داشته اند شب اول عروسی دختران نوکران با دختران مزبور همبستر شوند باج فوق الذکر را میگرفته اند که از حق همخواهی در شب زفاف صرف نظر نمایند و یکی از مؤلفین راجع به مرسوم بودن این باج در اسکاتلند چنین میگوید :

اشخاص طبقات پائین اجتماع که در یک ملک زندگی میکردند ناچار بوده اند در آن ملک بمانند و بعضی خدمات را برای ارباب خود انجام دهند و چون عیال هر کس مجبور است نزد شوهر خود باشد هر وقت زنی از این طبقات پائین شوهر میکرد ارباب مثل اینکه یک قسمت از اموال خود را از دست میداد و بمنظور جبران این خسارت در درجه اول پدر آن دختر یا زن ناچار بوده طبق نرخ معینی مبلغی وجه بپردازد و از آنجائیکه نوکران کاملاً زیرمهمیزار با بان بودند مبلغی را که از باب مطالبه میکرد اغلب گزاف و فوق العاده بود و کم کم اربابان مشاهده کردند که اگر زنان یا دخترانی شوهر میرفتند و از ملک آنان خارج میشدند در عوض جوانان دهکده از جای دیگر زن میگرفتند که جای زنان و دختران و دختران شوهر رفته پر شود باین جهت مبلغ غرامت تنزل کرد و در عین حال حقوق اربابان نیز محفوظ ماند .

دلیل دیگر بوجود حق اولویت در شب زفاف مبلغی بوده که هر جوان پس

از عروسی مجبور میشده به کشیش یا مقام روحانی دیگر پرداخت کند که آن کشیش شب‌های اول عروسی را با عیال آن جوان همخوابی کند و گفته شده است که فیلیپ ششم و شارل ششم پادشاهان فرانسه تلاش‌های بی‌ثمری بعمل آوردند تا کشیش‌ها را حاضر کنند قانون همخوابی آنان را با نوعروسان جوانانیکه زن می‌گرفتند و اخذ مبلغ گزافی که وصول میشد لغو نمایند در صورتیکه مبلغ مزبور بعنوان غرامت برای صرف نظر کردن حقی که به مقامات کلیسا اختصاص داشته نبوده بلکه برای کسب معافیت در مورد تسلیم نوعروسان بوده است و کلیسای کاتولیک حکم کرد که کلیه کسانی که ازدواج میکنند باید مراعات عفت را در شب‌های اول عروسی بنمایند و بتدریج مقامات کلیسا از شدت این قانون کاستند بطوریکه تاره دامادها حق داشتند خودشان شب‌های اول عروسی را با نوعروسان خود همیستر شوند مشروط بر اینکه مبلغ مختصری بعنوان کسب معافیت پردازند هر چند که باج یا بهای باز خرید که دامادها ناچار بوده‌اند بار بابان یا مقامات کلیسا پردازند بصورت بدی تغییر شده حتما دلایلی برای این تعبیر غلط وجود داشته است و تحقیق در اینکه چگونه فکر حق تمتع ارباب از نوعروسان در شب‌های زفاف بمغز مردم رسوخ کرده کار آسانی نیست. یکی از مؤلفین میگوید حق تمتع اربابان از نوعروسان بیشتر در نواحی که مسکن و ماوای مردم پست نژاد بوده وجود داشته برای اثبات این موضوع توجه خوانندگان را به نوشتجات قدیمی مورخین باستانی اسکاتلند و مخصوصا باسناد کشور ایرلند باستان جلب مینماید.

طبق این نوشتجات در حدود سال ۲۸۳ میلادی شخصی یکدختر قشنگ و نجیبی داشت و پسر پادشاه بنخواستگاری او آهد و بان شخص خاطر نشان نمودند که باید مبلغی پول طلا بعنوان غرامت بدهد که پادشاه از حق همخوابی شب‌های زفاف با وی صرف نظر کند و در نوشتجات قدیمی ایرلند که در اواسط قرن دوازدهم میلادی تنظیم شده چنین مسطور است که پادشاه اولستر که در زمان حضرت عیسی زندگی میکرده افتخارات زیاد نسبت میداده‌اند زیرا هر کس که دخترش راشوهر میداد

شب اول عروسی دختر خود را برای هم‌خوابی نزد آن پادشاه میفرستاد از اینجا باید بفهمیم که این حق مخصوص يك پادشاه در يك کشور بخصوص نبوده بلکه در قسمت‌های دیگر جهان نیز وجود داشته و در آلبانی که یکی از کشورهای اروپا است حتی این اواخر رسم مزبور متداول بوده و یکی از نویسندگان میگوید در کشور آلبانی يك رئیس در قبال مبلغی که سالیانہ دریافت میداشته حفظ و حراست يك دهکده را بعهده میگرفته و در این دهکده عده‌ای مستحفظ روستائی انجام وظیفه میکردند و در مقابل این وظائف باج خوبی هم میگرفتند و مخصوصاً هر دختری که شوهر میرفته پدر آن دختر و داماد ناچار بوده‌اند بر حسب استطاعت مالی مبلغی به مستحفظین روستائی بپردازند و در صورت عدم پرداخت وجه حق تمتع از نوعروس در شب زفاف با مستحفظین مزبور بوده است .

اکنون ببینیم چگونه مطالب مذکور را میتوان توضیح داد قبل از اینکه فرض کنیم حق اولویت در شب زفاف که بیک رئیس یا کشیش داده میشده از آثار سنن باستانی اشتراکی بوده باید موضوع احساسات و افکار بشری را نیز در نظر بگیریم و این طریقه در مطالعه سایر رسوم و عادات انسانی اجرا میگردد .

اولین مطلبی که توجه ما را جلب میکند وحشت و خوفی است که بتازه داماد هنگام برداشتن بکارت نوعروس دست میدهد و در بین بعضی اقوام داماد بوسیله استخوان مخصوص از آله بکارت میکرده و در بین بعضی از طوائف در استرالیا هر کزی اولین دخول باعصا بوده و در جاهای دیگر مشاهده شده تازه دامادها بادست از آله بکارت میکردند و در کشور مصر هم نظیر این عمل متداول است و یکی از نویسندگان در تاریخ ۱۸۴۰ میلادی راجع بکشور مصر میگوید شوهر با سباهراست و بایک دستمال ململ سفید از آله و دستمال ململ را که بخون نوعروس آلوده شده بوالدین خود نشان میدهد و آنان هم عفت و پاکیزگی نوعروس را به داماد تبریک میگویند و باصدای بلند اظهار خوشوقتی و مسرت میکنند بعداً این مدرک خون آلود عفت عروس را به مهمانانی که در مجلس عروسی هستند ارائه میدهند .

در بین بعضی از اقوام جزیره ماداگاسکار فقط شاهزاده خانمها تاموقع ازدواج دست نخورده باقی میمانند و در بعضی از مناطق کشور پرورد راوریکای جنوبی در قدیم هر وقت دختری را میخواسته اند شوهر بدهند او را در یک میدان عمومی میبرده اند و آنجا با حضور نزدیکان و بستگان که وسائل عقد را فراهم کرده بودند مادر دختر با دست خودش پرده بکارت عروس را بر میداشته تا بر همه ثابت شود چقدر این مادر مراقب پاکی و عفت دختر خود بوده و در جزائر فیلیپین عمل برداشتن بکارت دختران با پیره زنان بوده و در بین بعضی اقوام بلوچستان یک پیره زن با یک تیغ سلمانی چند ساعت قبل از خاتمه جشن عروسی بکارت عروس را پنهانی بر میداشته و در بین بعضی اقوام افریقا وقتی یک دختر عروسی نکرده را میخواهند آماده کنند پدرش باید یک مرد را اجیر کند که یک شب با دختر بخوابد و پدر باید برای این عمل یک مرغ و یک کاسه برنج و یک تنگ آبجویا مشروب بآن مرد بدهد ولی دختر حق ندارد برای بار دیگر بآن مرد نزدیکی کند. و در بین بعضی اقوام اگر شوهری نتواند یا نخواهد، بشخص دیگری باید پول بدهد تا این عمل را برای او انجام دهد در جزائر فیلیپین هم وقتی که آنجا را کشف کردند مردانی را دیدند که کارشان برداشتن بکارت دختران بود و از این راه اجرت هم میگرفتند زیرا بکارت دختران مانع عروسی آنان بود ولی گویا در قرن هفدهم میلادی این افراد حرفه ای مقنود الاثر شدند و در بین بعضی اقوام هندی یک مرد خوش قد و بالا از هر طائفه ای که باشد مشروط بر اینکه از قوم و خویشان دختر نباشد میآمده و یک شب در دهکده با دختر همبستر میشده و این عمل قبل از بالغ شدن دختر صورت می گرفته و هیچ چیز برای دختر شرم آورتر از این نبوده که عمل مزبور را تا بعد از رسیدن بسن بلوغ عقب بیندازد زیرا در چنین صورتی دختر مزبور برای بقیه عمر همیشه مورد طعن و ملامت مردم قرار می گرفته و میگویند مردان هم از ازدواج با دخترانی که مراسم مزبور را در موقع مقرر و معمولی انجام نداده بوده اند خودداری میکردند.

قبلا گفتیم که درمالا بازاراله حق مخصوص برهنه ها بوده اما سایر مؤلفین طور دیگر نقل میکنند و یکی از آنان چنین میگویند که زنان نایار از مردان خواهش

میکند که بکارتشان را بردارند زیرا تا زمانی که با کره هستند شوهر برای آنان پیدا نمی شود و در جاهای دیگر مردان هرگز با دختر با کره عروسی نمیکنند و اگر دختری با کره نامزد شود او را قبل از عروسی در اختیار مردی بمدت پانزده تا بیست روز قرار میدهند تا بکارت دختر را بردارد گویا مراسم عروسی صورتی و ساختگی که در بین طوائف نایار معمول است از آثار رسم برداشتن بکارت، قبل از ازدواج باشد و تمام دختران قبل از رسیدن بسن قابل عروسی باید در این مراسم شرکت کنند .

فرضیه های مختلفی برای توضیح مراسم فوق طرح کرده اند و یکی از مولفین میگوید که این مراسم از آثار زمانی است که برهمن های مالا با ر حق قمتع از نوبر عروسی ها داشته ولی این فرض هم قابل قبول نیست زیرا مراسم مزبور در مورد زنان قبائل پست تر که هیچ برهمنی راغب نبوده با آنان همخواهی کند نیز اجرا میشده و یکی از مولفین میگوید موقعیکه يك ارباب با یکی از اعیان های شهر کلکته عروسی میکند يك برهمن یا يك سفید پوست را اجیر مینماید که شب زفاف را بانو عروس همبستر شود و مبلغی هم وجه باو میپردازد و طبق نوشته دیگر در مورد مراسم بعضی طوائف که دختران را باید يك برهمن یا اگیر او نباشد يك شخص دیگری بی بکارت کند. چنین معلوم میشود که اگر بیگانه ای در میان قبائل مزبور اقامت میکرد نانش توی روغن بوده زیرا اهالی مالا بار برای برداشتن بکارت دخترانشان بیگانگان را براهل محل خود ترجیح میدادند و برای این عمل هدایای فراوان بآن شخص اجنبی میدادند و اقوام دیگری هستند که خارجیان را دوست میداشتند و حتی از آنان خواهش میکردند که در شب زفاف بانو عروشان همبستر شوند و یکی از مؤلفین میگوید پادشاه تناسریم بيك سفید پوست خواه مسیحی خواه مسلمان دستور میداد بکارت عروسی را بردارد و يك اروپائی که در سال ۱۵۸۳ میلادی بهندوستان مسافرت کرده مینویسد هر وقت يك مرد اصیل یا نجیب میخواست با دختری ازدواج کند سراغ یکی از دوستان یا يك شخص خارجی میرفت و از او خواهش میکرد شب

زفاف را با عروس خانم ممبرسترشود و خیلی از عمل آن دوست یا شخص خارجی خوشوقت میشد و از او تشکر مینمود زیرا بخیال خودش باین وسیله خود را از يك کار پر زحمت نجات داده بوده و این رسم نه تنها در بین نجبا و اعیان معمول است بلکه شخص پادشاه هم رسم مزبور را اجرا میکرده است و در بین بعضی اقوام با کره بودن دختر ارزشی ندارد و علامت تقوی نیست و شوهران ترجیح میدهند که خود را پدر اطفالی که نطقه شان مال دیگری است بدانند و حاضر نیستند با دختران با کره ازدواج کنند و معمولا به ملاحان هلندی مزد خوبی میدهند که این عمل فحشاء پر افتضاح را برای آنان انجام دهند .



ضمن مطالعه این تحقیقات وضع زن امروز و چگونگی مقام و موقعیت مقایسه میشود .

روش پیشانیان را و جب بوجب و ذراع
 بذراع تقلید خواهید کرد تا جائیکه اگر یکی
 از ایشان بسوراخ سوسمار درآمده در خواهید
 شد و اگر یکیشان در راه با همسر خود جفت
 شد شما هم خواهید کرد .

نهج الفصاحة

یک کلید برای هزاران در
برای درهای سعادت تمام ایران و جهان

سازنده با شیواری



پستگاه علوم و فنون اطلاعات و ارتباطات
تار و پود کابل